



خلیج فارس،

خلیج فارس است

• محمدرضا چیت‌ساز
• میات علمی دانشگاه تهران

■ اطلس تاریخی خلیج فارس

■ گروه نویسندگان

■ بلژیک، انتشارات Brepolis، ۲۰۰۶، ۴۹۰ صفحه

فهرست مطالب کتاب :

- Introduction:** Zoltan Biedermann, Dejanirah Couto, Jean Louis Bacqué Grammant, Mahmoud Taleghani
- Chapitre I:** Patrick Gautier Dalché
عهد باستان و قرون وسطی
- Chapitre II:** Dejanirah Couto, Zoltan Biedermann
نقشه‌های خلیج فارس به روایت پرتغالی‌ها
- Chapitre III:** Zoltan Biedermann
فارس به روایت هلندی‌ها
- Chapitre IV:** Zoltan Biedermann
فارس به روایت فرانسوی‌ها
- Chapitre V:** Zoltan Biedermann
فارس به روایت انگلیسی‌ها
- Chapitre VI:** Elio Brancaforte
به روایت آلمانی‌ها

امتیازات کتاب :

- ۱ - کار مشترک: کار مشترک اصولاً و فی‌نفسه، از اتقان و صحت بالاتری برخوردار است، به‌ویژه وقتی که این کار با همکاری مراکز بزرگ علمی و پژوهشی صورت گرفته باشد.
- ۲ - ارائه اطلاعات تخصصی نقشه‌های اروپایی قرون ۱۶ تا ۱۸: در این کتاب پس از بررسی حدود ۴۰۰ نقشه مختلف، سرانجام از میان آنها حدود ۱۰۰ نقشه انتخاب و معرفی و چاپ شده است.
- ۳ - سه زبانه بودن اثر (انگلیسی، فرانسه، فارسی): شمار

در سال ۲۰۰۶، کتابی توسط محققین غربی با همکاری یکی از اساتید دانشگاه تهران به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه با عنوان «اطلس تاریخی خلیج فارس» چاپ شد. اشکالات این کتاب، به ویژه استفاده مکرر از واژه نادرست «خلیج» به جای «خلیج فارس»، باعث شد تا دکتر محمدرضا چیت‌ساز، محقق و استاد دانشگاه، این کتاب را در روز ملی خلیج فارس (۱۰ اردیبهشت ماه سال جاری)، در مرکز اسناد پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، نقد و بررسی کند. نظر به اهمیت موضوع، این نقد در بیستمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (چهارشنبه ۱۹/۲/۸۵)، مجدداً تکرار شد. در ادامه، این نقد از نظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت.

در سال ۲۰۰۴ میلادی، موافقت‌نامه‌ای میان دانشسرای عالی مطالعات کاربردی سوربن فرانسه با دانشگاه تهران منعقد شد. یکی از نتایج این تفاهم‌نامه، تألیف کتابی است با نام «اطلس تاریخی خلیج فارس» که در سال ۲۰۰۶ به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه در بلژیک چاپ شده است.

مؤلفین :

- 1- Patrick Gautier Dalché فرانسه
- 2- Zoltan Biedermann پرتغال
- 3- Dejanirah Couto فرانسه
- 4- Elio Brancaforte آمریکا
- 5- Jean Louis Bacqué Grammant فرانسه
- 6- Mahmoud Taleghani ایران



کتاب ماه

میراث فرهنگی



استفاده کنندگان این کتاب را بسیار بیشتر خواهد کرد.
 ۴ - چاپ و صحافی و صفحه بندی: مناسب و در خور توجه است.

در بسیاری از موارد مطرح شده،
 ذکری از منابع و مآخذ در هیچ یک
 از سه بخش فارسی، انگلیسی و
 فرانسوی کتاب نشده است

ایرادات کتاب :

- الف : ایرادات شکلی
- ب : نوعی خصومت پنهان
- ج : ایرادات محتوایی
- د : ایرادات نقشه خوانی

فهرست فصل پنجم

۴ - اراستوتن : نویسنده‌ای به نام اراستوتن نداریم. این تنها یک غلط چاپی نیست زیرا در پاورقی همان صفحه، لاتین آن نیز به غلط و به صورت Erastothene نوشته شده است. این را شاید بتوان نشانه عدم آگاهی کافی مؤلفین با منابع باستانی شمرد (ص ۱۹ فارسی).
 ۵ - استفاده از سفرنامه‌ها: در فصل ششم که نقشه‌های آلمانی‌ها را از خلیج فارس ارائه می کند، از سفرنامه‌های آلمانی‌ها نیز استفاده کرده است، کاری که برای بخش‌های دیگر - نقشه‌های انگلیسی، فرانسوی، پرتغالی و هلندی - انجام نشده و این کمبود جدی، باعث ارائه برخی نظریات نه چندان دقیق شده است.

ب : نوعی خصومت پنهان

در جای جای کتاب، متأسفانه نوعی نگاه منفی نسبت به ایران و ایرانی دیده می شود. برخی از نمونه‌های این نگاه

الف : ایرادات شکلی

۱ - نام کتاب : انتخاب نام اطلس تاریخی خلیج فارس، برای چنین کتابی، با مندرجات و محتویات کتاب، همخوانی ندارد. درست است که در ذیل این عنوان، قرون ۱۶ تا ۱۸ نوشته شده است، اما از آنجا که به هیچ یک از نقشه‌های دوره‌های باستانی، یا دوره‌های میانی تاریخ اشاره نشده، و همچنین نقشه‌های ایرانی، عربی، عثمانی و مانند آن را نیز مورد استفاده قرار نداده، به نظر می‌رسد بهتر بود نام کتاب را «نقشه‌های اروپاییان از خلیج فارس قرن ۱۶-۱۸م.» انتخاب می کردند.

۲ - توضیحات ذیل نقشه‌ها: توضیحات نقشه‌خوانی در ذیل نقشه‌ها، تنها به دو زبان انگلیسی و فرانسه آمده و مانند بقیه متن کتاب به فارسی ترجمه نشده است.

۳ - عدم همخوانی متن‌های سه‌گانه : بخش‌هایی از ترجمه فارسی، مطابقت کامل با ترجمه‌های انگلیسی و فرانسوی ندارد. برای نمونه مراجعه شود به: بخش‌های اولیه فصل اول، و یا

عبارت است از:

- ۱ - ص ۴۷ فارسی: پس از سطره ایرانی‌ها برج‌زیره هرمز، شهر هرمز دستخوش رکود و انحطاط شد. (توضیحات بعدی در مورد گمبرون به درستی بیان نشده است).
- ۲ - ص ۴۶ فارسی: در دوره شاه عباس، راه برای تغییرات روابط میان ایران و خلیج فارس باز شد. (خلیج فارس را غیر از ایران دانسته است).
- ۳ - شط‌العرب: استفاده از واژه شط‌العرب در بسیاری از صفحات کتاب به جای اروند رود به کار رفته است. ص ۶۱، ۶۵، ۱۰۴، ۱۴۸، ۲۵۸، ۳۶۷، ۳۷۵ و ...

- ۴ - ص ۲۶ فارسی: فتح هرمز توسط آلبوکرک را تحت‌الحمایه کردن دانسته، اما آزادسازی آن را توسط ایرانیان، فتح نامیده است. (در متون تاریخی و سیاسی واژه «تحت‌الحمایه» کردن همیشه با نوعی تسلط و حاکمیت سیاسی همراه است، اما «فتح» را اغلب برای تسلط بر سرزمین‌های بیگانه و خارج از سرزمین اصلی به کار می‌برند).
- ۵ - کعبیان: هیچ اشاره‌ای به تسلط ناوگان دریایی کعبیان خوزستان بر آبراهه خلیج فارس نشده است، از جمله: اخذ مالیات از کشتی‌های خارجی، جلوگیری از تردد برخی از کشتی‌های انگلیسی و مانند آن... (مراجعه شود به کتاب تاریخ گیتی‌گشا، کتاب ملخص تاریخ الامارة الکعبیه، و ...).

ج: ایرادات محتوایی

- ۱ - عدم وجود تخصص‌های مورد نظر: بحث‌هایی از این کتاب، در حوزه باستان‌شناسی، تاریخ ایران باستان، یونان، روم و دوران‌های بعدی است، اما در میان مؤلفین کتاب، چنین تخصص‌هایی وجود ندارد. این عدم‌آشنایی با بحث‌های تاریخی به ویژه در فصل اول کتاب «خلیج فارس در عهد باستان و قرون وسطی» با بیان نکاتی نادرست، به اوج خود می‌رسد. در این فصل که از مهم‌ترین فصل‌های کتاب است و در ۱۰۰ سطر نوشته شده است، بسیاری از مسائل مهم مربوط به موضوع این کتاب در دوران باستان و دوران بعد از اسلام، که می‌توانست روشنگر بسیاری از ابهامات باشد، نادیده گرفته شده و حتی یک ارجاع (رفرنس) نیز به آنها و موضوعات مطرح شده دیگر، داده نشده است. چگونه ممکن است بحث مهمی چون اطلس تاریخی خلیج فارس، آن هم به صورت کاری مشترک میان دانشگاه تهران و سوربن فرانسه صورت گیرد، اما تنها محقق ایرانی این کار بزرگ کسی باشد که کارش نه تاریخ است و نه نقشه‌های تاریخی. (دکتر محمود طالقانی استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران هستند. حوزه کار ایشان مردم‌شناسی و جغرافیای شهری است. نگاه کنید به کتاب ایشان با عنوان: اطلس اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران، که با همکاری

فرانسه در سال ۱۳۸۴ چاپ شده است. ورود ایشان به بحث‌های تاریخی در حوزه تاریخ خلیج فارس و عدم‌آشنایی ایشان با منابع اصیل، متقدم و دست‌اول، متأسفانه پیامدهای نادرست بسیاری را باعث شده است. البته ایشان در نوشتن هیچ‌یک از شش فصل این کتاب سهیم نبوده‌اند و تنها نامشان به همراه مؤلفین دیگر در بخش کوتاه مقدمه آمده است.)

۲ - هرودت: در ص ۱۹ فارسی کتاب نوشته شده که هرودت در آثار خود نامی از این خلیج نبرده است. البته این سخنی صحیح است، اما هر کسی که مختصر‌آشنایی با بحث‌های تاریخی در مورد نام خلیج فارس داشته باشد، می‌داند که باید در ادامه این حرف، سخنان هرودت را در کتاب چهارم نیز بیان کرد. هرودت در بحث کندن کانال سوئز میان رود نیل و دریای سرخ به وسیله

چگونه ممکن است بحث مهمی چون اطلس تاریخی خلیج فارس، آن هم به صورت کاری مشترک میان دانشگاه تهران و سوربن فرانسه صورت گیرد، اما تنها محقق ایرانی این کار بزرگ کسی باشد که کارش نه تاریخ است و نه نقشه‌های تاریخی

فرعون مصر، نام دریای سرخ را «سینوس عربیکوس» نوشته است. یعنی به صورت آشکار مشخص می‌شود که هرودت نام سینوس عربیکوس را برای خلیج فارس به کار نمی‌برده است. به نظر می‌رسد دانشه فرانسوی مؤلف این فصل کتاب، به اصل کتاب هرودت مراجعه نکرده و از روی نوشته‌های دیگران - ارجاع به ارجاع ندیده - این سخن ناپخته را بیان کرده است.

۳ - قدیمی‌ترین نام فارسی «خلیج فارس»: در فصل اول کتاب با عنوان «خلیج فارس در عهد باستان و قرون وسطی»، هیچ اشاره‌ای به نام‌های باستانی خلیج فارس نشده است. علت آن، عدم‌آشنایی مؤلفین با کتیبه‌های داریوش هخامنشی است، که به خط فارسی باستان (میخی هخامنشی) و هیروگلیف مصری در کناره کانال سوئز نوشته شده و امروزه در همان حدود باقی است (به عربی: شلوف الترابه، و تل المسخوته=DZc) به این دلیل، این موضوع مهم، در هیچ‌یک از کتاب‌ها بیان نشده است. باید دانست که در آنجا داریوش نام این آبراهه را به صورت دریای پارس یا دریایی که از پارس می‌آید نوشته است.

درباره تیه هچا پارسا آیتی Draya Tya Hacha Parsa aityy ۴ - عدم اشاره به منابع اصلی و مهم: به نوشته‌ها و نقشه‌های هکاتائوس، دیکائورخوس، اراتستن، هیپارخوس، پوزیدون، استرابن، پومپونیوس، کنت کورث، پری اجت، فلاویوس، بطلمیوس، اوروزیوس، و... هیچ اشاره‌ای نشده است. همگی این جغرافی‌دانان و مورخین باستان، اطلاعات

بسیار مهمی در خصوص نام خلیج فارس و مکان خلیج عربی (دریای سرخ) به همراه نقشه، ارائه کرده‌اند. این عدم اشاره و کمبود، به ویژه در فصل اول کتاب، بسیار مشهود بوده، باعث به دست دادن نتایج نادرستی در کتاب شده است.

۵ - منابع ایرانی: اگرچه در مقدمه کتاب نوشته شده از منابع ایرانی استفاده شده، اما در بحث‌های تاریخی، ذکری از منابع متقدم و اصیل ایرانی و یا عربی نیست.

۶ - عدم درج منابع: در بسیاری از موارد مطرح شده، ذکری از منابع و مأخذ در هیچ‌یک از سه بخش فارسی، انگلیسی و فرانسوی کتاب نشده است. به عنوان نمونه نگاه کنید به موضوع بلوچستان در ص ۲۶ فارسی، ص ۶۹ انگلیسی، ص ۶۱ فرانسه، و یا سرتاسر فصل اول که هیچ ارجاعی در آن دیده نمی‌شود.

در فصل ششم که نقشه‌های آلمانی‌ها را از خلیج فارس ارائه می‌کند، از سفرنامه‌های آلمانی‌ها نیز استفاده کرده است، کاری که برای بخش‌های دیگر - نقشه‌های انگلیسی، فرانسوی، پرتغالی و هلندی - انجام نشده و این کمبود جدی، باعث ارائه برخی نظریات نه چندان دقیق شده است

۷ - نکودر: در فصل دوم و در موضوع اشاره به برخی از دریانوردان بلوچستان، آنها را به اشتباه نوتاک نوشته است. «نوتاک» نادرست و صحیح آن «نکودر» است. اطلاعات ارائه شده نیز دقیق و علمی نبوده و ارجاعی نیز داده نشده است. نگاه کنید به: ص ۲۶ فارسی، ص ۶۹ انگلیسی، و ص ۶۱ فرانسه.

۸ - حذف مکاتب نقشه‌نگاری عربی، ایرانی و عثمانی: در ص ۱۳ و پاورقی ۵ متن فارسی، بدون توضیح مشخصی نوشته شده که مکاتب نقشه‌نگاری عربی، ایرانی و عثمانی در این کتاب حذف شده‌اند. هیچ اشاره‌ای نیز ارائه نشده، به ویژه در فصل اول کتاب که جای بحث این نقشه‌هاست.

۹ - ردیه بر فؤاد سزگین: فؤاد سزگین نسخه‌شناس بزرگ دوران معاصر ماست. او در تحقیقات خود، دلایل بسیاری را بیان کرده که نشانه پیشرفت‌های ایرانیان و اعراب قرون گذشته در زمینه دریانوردی است. اما روحیه غرب‌پرستانه‌ای که بر سراسر کتاب اطلس تاریخی خلیج فارس حکم فرمات، با نتایج تحقیقات سزگین مغرضانه برخورد می‌کند. در ص ۱۳ پاورقی ۶ چنین آمده: «سزگین تلاش کرده نشان دهد پیشرفت‌های نقشه‌نگاری غربی پیامد پیشرفت‌های مسلمین بوده، اما استدلال‌های او بر پایه حدس و گمان‌اند، هیچ مطلب تازه‌ای در آنها نیست و آشکارا الحنی خصومت‌آمیز را در مورد مورخین پرتغالی در پیش گرفته است.»

۱۰ - اصرار بر عدم شناسایی دقیق نام خلیج فارس توسط

نویسندگان باستان: در این کتاب، آشکارا و یا پنهان سعی بر این است که نشان دهند نویسندگان باستان نمی‌توانسته‌اند میان خلیج فارس و دریای اریتره تمایز خاصی قائل شوند (ص ۲۰ متن فارسی). اگر این نتیجه‌گیری اثبات شود، معنای آن این است که می‌توان، نام‌های دیگری غیر از خلیج فارس به این آبراهه داد. در زیر از میان نویسندگان باستان، تنها به آثاری اشاره می‌شود که در متن کتاب آنها و نیز در نقشه‌هایشان، هم مکان خلیج فارس و هم مکان خلیج عربی، که همانا دریای سرخ کنونی بوده، به وضوح مشخص شده است.

دیکائرخوس، سیسیلی (۳۰۰ پ. م.) Sinus Persicus - us
Sinus Arabic
اراتستن، مصر (۲۱۰ پ. م.) Sinus Persicus
- Arabicus

هیپارخوس، یونانی (۱۳۰ پ. م.) Golf Arabic - Golf
Persic

پوزیدونیوس، سوری (میلاد مسیح) - Sinus Persicus
Sinus Arabicus

استرین، یونانی (میلاد مسیح) Sinus Persicus - Sinus
Arabicus

پومپونیوس، رومی (میلاد مسیح) - Mare Persicum
Mare Arabicum

بطلمیوس، مصر (قرن دوم م.) Sinus Persicus
- Sinus Arabicus

اوروزیوس، اسپانیایی (۴۰۰ م.) sicus Sinus Per
- Sinus Arabicus

۱۱ - اصرار بر عدم شناسایی دقیق نام خلیج فارس توسط نویسندگان دوران بعد: همان سخن ناصواب پیشین است. در ص ۲۰ می‌نویسد: «در متون مؤخرتر قرون وسطی، نوعی تردید و عدم یقین از حیث نام [م] گذاری به چشم می‌خورد که ناشی از تعریف باستانی خلیج فارس است، یعنی یکی دانستن یا ادغام سه پدیده جغرافیایی متفاوت: دریای سرخ، خلیج عرب و خلیج فارس.» اگر چنین سخنی اثبات شود، راهی باز می‌شود، تا بتوان به این آبراهه، نام‌های دیگری غیر از خلیج فارس داد. در زیر از میان نویسندگان قرون اولیه اسلامی، به آثاری اشاره می‌شود که در متن کتاب و یا در نقشه‌های آنها، به نام خلیج فارس اشاره شده است. (به دلیل شمار زیاد این نویسندگان، تنها به نویسندگان متقدم، و پیش از حمله مغول اشاره می‌شود).

منابع دوران اسلامی (تنها در ۶ قرن اول):

- ابن الفقیه (۲۷۸ق.) مختصر کتاب البلدان، عربی «بحرفارس»

- ابن رسته (۲۹۰ق.) الاعلاق النفیسه، عربی «الخلیج

الفارسی» و «بحرفارس»

- سهراب (قرن سوم) عجائب الاقالیم، عربی «بحر فارس»
- ابن خردادبه (۳۰۰ق.) المسالک و الممالک، عربی «بحر فارس»

- قدامة بن جعفر (۳۱۰ق.) الخراج، عربی «بحر فارس»

- جیهانی (۳۷۰ق.) المسالک، عربی «بحر فارس»

- اخوان الصفا (۳۴۰ق.) رسائل، فارسی «بحر فارس»

- بزرگ بن شهريار ناخداي هرمزی (۳۴۳ق.) عجایب الهند، عربی «بحر فارس»

- استخری (۳۴۶ق.) مسالک و ممالک، عربی «بحر فارس»

- مسعودی (۳۴۶ق.) مروج الذهب، عربی «خلیج فارس»

و يعرف بالبحر الفارسی» و التنبیه و الاشراف، عربی «بحر الفارسی»

- مقدسی (۳۵۵) البدء و التاريخ، عربی «الخلیج الفارسی»

- ابوریحان بیرونی (۴۴۰ق.) قانون مسعودی، عربی «بحر فارس»

- تحقیق مالهند، عربی «خلیج فارس»

- تحدید نهاییات الاماکن، عربی «بحر فارس»

- التفهیم، فارسی «خلیج فارس»

- ابن حوقل (۳۶۷ق.) صورة الارض، عربی «بحر فارس»

- (تالیف ۳۷۲ق.) حدود العالم، فارسی «خلیج فارس»

در ادامه، می نویسد: «خلیجی حدود مصر است که آن را خلیج عربی و نیز خلیج قلم خوانند.»

- مقدسی (۳۷۵ق.) احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، عربی «بحر فارس»

- ابن البلخی (۵۰۰ق.) فارس نامه، فارسی «بحر فارس»

- مروزی (۵۱۴ق.) طبایع الحیوان، عربی «الخلیج الفارسی»

- شریف ادریسی (۵۴۸ق.) نزهة المشتاق، عربی «بحر فارس»

- انس المهبج، عربی «البحر الفارسی»

۱۲ - موقوستان (مغستان) : در ص ۴۱ فرانسه، ۴۵

انگلیسی و ۲۲ فارسی Moghostan ظاهراً نادرست و مکران صحیح است.

۱۳ - اصرار بر عدم شناسایی دقیق نام خلیج فارس توسط

نویسندگان دوران بعد: در ص ۲۲ می نویسد: خلیج [فارس]،

مرز جنوبی استان های پارسی بود، تردید و عدم یقین در مورد نام گذاری آن نسبت به دریای سرخ / اقیانوس هند همچنان پابرجا بود. (ر. ک. توضیحات بندهای ۱۰ و ۱۱).

۱۴ - نقشه ها را اسطوره و افسانه دانستن : در ص ۲۲

می نویسد: تاریخ نقشه های دریایی در قرون وسطی، شامل سیر تحول برداشت های دقیق از واقعیات جغرافیایی نیست، بلکه

بیشتر به برداشت هایی متکی است که می توان آنها را اسطوره های نامید. (ر. ک. توضیحات بندهای ۱۰ و ۱۱).

۱۵ - بی اهمیت نشان دادن پیشرفت های دریانوردان

ایرانی و عرب: در ص ۲۴ می نویسد: «پرتغالی ها نقشه های

عرب یا ایرانی خلیج [فارس] را در اختیار نداشتند و به ناچار متکی

به الگوهای قدیمی بطلمیوسی شدند.» این سخنی ناصحیح

است که منابع و مأخذ متقدم و اصیل آن را اثبات نمی کنند. آثار بسیار زیادی وجود دارد که نشانه، اطلاع پرتغالی ها، از نقشه های عربی یا ایرانی خلیج فارس است. (ر. ک. تحقیقات سزگین، حورانی، بارون دو وو [

۱۶ - نگاه مستعمرانه: در ص ۲۶ پاورقی ۵۲ می نویسد:

«قلعه هرمز شایسته است به عنوان بخش جدایی ناپذیری از میراث چندفرهنگی در ایران مورد بررسی های عمیق قرار

گیرد.» مسئولین سازمان میراث فرهنگی کشور و شماری از باستان شناسان و مرمتگران ایران، طی سال های گذشته، در

مورد مرمت و بازسازی قلعه های پرتغالی در هرمز و قشم، با درخواست های بی مورد و غیرمنطقی و دخالت جویانه پرتغالی ها

روبرو بوده اند. قابل توجه است که بدانیم، آنان چندی پیش

بزرگداشت پانصدمین سال ورودشان به خلیج فارس را طی مراسمی، برگزار کردند.

۱۷ - به کار بردن مفرد واژه نادرست خلیج به جای خلیج

فارس: در متن فارسی، انگلیسی و فرانسوی این کتاب، بارها از واژه نادرست خلیج استفاده شده است. استفاده از واژه خلیج تنها

در مواقعی که نقش معرفه دارد، صحیح است (مثال: در این خلیج، نفت زیادی به دست می آید.) اما در مواقعی که نقش

نکره دارد، نادرست خواهد بود (مثال: خلیج از طرف شمال به ایران محدود می شود.) در پنج جدول ذیل، تعداد استفاده از این

واژه نادرست، و شماره صفحات آنها نشان داده شده است، که نیمی از آنها نادرست است.

تعداد به کار رفته واژه خلیج به جای واژه خلیج فارس در متن فرانسوی کتاب

۱	۷	۲۳-۲۹
۱۱	۳	۳۹-۴۱
۱۰	۷	۵۹-۶۵
۳	۵	۱۵۱-۱۵۵
۴	۳	۲۳۷-۲۳۹
۱۳	۵	۲۹۹-۳۰۳
۱۴	۷	۳۶۵-۳۷۱
۳	۱	—
۵۹	۲۸	—

۳	۶	۳۳-۳۸
۳	۴	۳۹-۴۲
۱	۷	۴۳-۴۹
۷	۹	۵۱-۵۹
۴۵	۴۷	

به غیر از این‌ها، ۸۰ (هشتاد) بار نیز در توضیحات بخش E کتاب، از این واژه به صورت نادرست Golfe استفاده شده است.

ایرادات نقشه خوانی:

۱ - در خوانش واژه‌های نقشه‌ها، میان واژه‌های کوچک و ریز (مانند اسامی بنادر و شهرها) با واژه‌های بزرگ و درشت (به ویژه مانند خلیج فارس) تفاوتی قائل نشده‌اند.

۲ - اگرچه در نقشه لیبون سال ۱۷۰۵، نام خلیج فارس به صورت سینوس پرسیکوس آمده اما در توضیحات فرانسه و انگلیسی ذیل همان نقشه، تنها از واژه خلیج استفاده شده است. (صص ۲۷۴-۲۷۶)

۳ - اگرچه در نقشه لیبون سال ۱۵۹۶، نام خلیج فارس به صورت سینوس پرسیکوس آمده اما در توضیحات فرانسه و انگلیسی ذیل همان نقشه، بدون حتی یک بار اشاره به نام خلیج فارس، ۶ بار از واژه خلیج استفاده شده است. (صص ۱۶۶-۱۶۸)

۴ - در نقشه لیدن سال ۱۵۵۴، سینوس پرسیکوس را اشتباه نوشته است. (ص ۱۱۹)

۵ - بهتر است در توضیحات نقشه برلین سال ۱۷۷۳، از نام نقشه سینوس پرسیکوس استفاده شود. (صص ۴۰۶-۴۰۹)

۶ - در نقشه لیبون سال ۱۵۷۰-۱۵۷۱، سینوس پرسیکوس باید جدا ذکر شود، نه در ذیل نام دریای قطیف mare el Catif که معنای آن را تغییر داده است. (صص ۱۶۲-۱۶۵)

۷ - در خوانش نقشه کلن سال ۱۷۵۳، اصل واژه De Persesche Golf از قلم افتاده و این در صورتی است که در توضیحات آن، تنها از واژه خلیج استفاده شده است. (صص ۲۲۴-۲۲۹)

۸ - در خوانش نقشه برلین سال ۱۶۴۷، اصل واژه Sinus Persicus از قلم افتاده و این در صورتی است که در توضیحات آن، تنها از واژه خلیج استفاده شده است. (صص ۳۸۰-۳۸۱)

۹ - در خوانش نقشه نورنبرگ سال ۱۷۳۷، اصل واژه Sinus Persicus از قلم افتاده است. (ص ۴۰۵)

۱۰ - در خوانش نقشه سال ۱۵۶۱، اصل واژه Golfo di Persia از قلم افتاده و این در صورتی است که نام دریای قطیف ذکر شده است (صص ۱۳۳-۱۳۴)

۱۱ - و

تعداد به کار رفته واژه خلیج به جای واژه خلیج فارس در متن فرانسوی کتاب (ذیل نقشه‌ها)

—	—	—
۱	۱۲	
۳۹	۷۵	
۱۷	۷۳	
۱۴	۵۲	
۴	۵۳	
۶	۳۹	
۷۱	۲۹۵	

تعداد به کار رفته واژه خلیج به جای واژه خلیج فارس در متن انگلیسی کتاب

۱	۷	۳۱-۳۷
۱۳	۳	۴۳-۴۵
۱۳	۷	۷۳-۶۷
۳	۴	۱۵۷-۱۶۰
۵	۳	۲۴۱-۲۴۳
۱۳	۵	۳۰۵-۳۰۹
۸	۶	۳۷۲-۳۷۸
۳	۱	—
۵۹	۳۶	

تعداد به کار رفته واژه خلیج به جای واژه خلیج فارس در متن انگلیسی کتاب (ذیل نقشه‌ها)

—	—	—
۲	۱۲	۴۶-۵۷
۲۵	۷۵	۷۳-۱۴۹
۱۸	۷۳	۱۶۲-۲۳۵
۱۵	۵۳	۲۴۴-۲۹۷
۶	۵۳	۳۱۰-۳۶۳
۵	۲۹	۳۸۰-۴۰۹
۷۱	۲۹۵	

تعداد به کار رفته واژه خلیج به جای واژه خلیج فارس در متن فارسی کتاب

۲	۸	۱۱-۱۸
۱۶	۴	۱۹-۲۲
۱۳	۹	۲۳-۳۱